

## فرا تحلیل مطالعات انقلاب اسلامی در ایران؛ بررسی چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران از منظر پژوهشگران ایرانی

علی خواجه نایینی\*  
صفیه سادات هاشمی\*\*  
مهدی ترکشوند\*\*\*

### چکیده

«انقلاب اسلامی ایران چرا و چگونه به پیروزی رسید؟» این سؤالی است که دهه‌های متمادی و در زمان حاضر نیز مطرح بوده و پژوهشگران مختلف به دنبال پاسخی به آن برآمده‌اند. تاکنون رویکردها و نسل‌های متفاوتی از نظریات انقلاب اسلامی ایران متولد شده‌اند که به تبیین‌های متفاوتی در این زمینه پرداخته‌اند. این پژوهش تمرکز خود را بر بررسی و تحلیل مقالات منتشر شده در 4 فصلنامه علمی - پژوهشی حوزه انقلاب اسلامی منتشر شده در ایران یعنی فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی از ابتدای انتشار تا پایان سال 1396 قرار داده است. هدف این پژوهش آن است که با بررسی مقالات منتشر شده دریابد که پژوهشگران ایرانی چه دلایلی را برای چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران برشمرده و پژوهشگران تولید کننده این ادبیات دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ در واقع فرا تحلیل مطالعات حوزه

naeniali@gmail.com  
naeniali@ut.ac.ir  
mahdi.t.63@gmail.com  
تاریخ

\* - دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)  
\*\* - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.  
\*\*\* - استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سیدجمال الدین اسدآبادی.  
تاریخ ارسال: 1397/6/11  
پذیرش: 1397/11/14

چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در دو بخش دانش پژوهشی و ویژگی‌های پژوهش‌گران، تمرکز اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

## واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی، ایران، پژوهش‌گران، مقالات

### مقدمه

پدیده انقلاب، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین پدیده‌های اجتماعی - سیاسی مطرح بوده است. موضوع «چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران» نیز به عنوان یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین انقلاب‌های قرن اخیر از زمان پیروزی آن تا کنون؛ همواره مورد توجه صاحب‌نظران، سیاستمداران، پژوهش‌گران، روشنفکران داخلی و خارجی بوده است. این مسئله که دانش پژوهان ایرانی در مطالعات مربوطه؛ چه مفاهیم، عوامل و عناصری را به عنوان علل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران ذکر کرده‌اند از اهمیت زیادی برخوردار است. ما در این پژوهش با استفاده از روش فراتحلیل، مطالعات پژوهشگران ایرانی در حوزه چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهیم. فراتحلیل، روشی است برای تحلیل تحلیل‌ها. فراتحلیل، داده‌های بدست آمده از پژوهش‌های مختلف را یکجا گرد هم می‌آورد و آن‌ها را به عنوان یک مجموعه داده تحلیل می‌کند. با سرجمع کردن و تحلیل حجم زیادی از داده‌ها، امکان اعتماد به نتایج به طور قابل توجهی بیشتر می‌شود. این مفاهیم و عوامل به اشکال متفاوت و در سطوح مختلف معرفت‌شناسانه و متودولوژیک مطرح هستند. استفاده از چارچوب‌های مفهومی و نظریه‌ها از مهمترین آن‌ها می‌باشد. یکی از اهداف این پژوهش این است که فراوانی و تنوع چارچوب‌های نظری مقالات این حوزه را مورد بررسی قرار داده و دریابد که پژوهش‌گران ایرانی بیشتر از کدام نظریات، برای تبیین چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بهره گرفته‌اند؟ تأکید دیگر پژوهش، شناسایی متغیرهایی است که بیشترین سهم را در تبیین وقوع انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند. بررسی روش مورد استفاده پژوهشگران در تحلیل داده‌ها نیز از اهداف دیگر این پژوهش می‌باشد. همچنین بررسی وضعیت تولید کنندگان دانش این حوزه یا استفاده از شاخص‌های مختلف، دیگر عنصر اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در خصوص تبیین‌های صورت گرفته در حوزه چرایی و چگونگی وقوع یک انقلاب، در نظریات کلاسیک که افلاطون و ارسطو از چهره‌های شاخص آن

محسوب می‌شود، وقوع انقلاب بر مبنای منطق درونی که هر یک از اندیشمندان ذکر شده بر اساس آن به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند صورت می‌گیرد. به طور مثال ارسطو علت اصلی انقلاب را در جستجو و دستیابی انسان‌ها به عدالت می‌داند و نابرابری را علت اصلی وقوع انقلاب می‌داند. از جمله افراد دیگری که نظریاتشان در این دسته، مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد مارکس و الکسی دوتوکویل می‌باشند که هر کدام بحث مفصلی در مورد علل و عوامل شکل‌گیری و چگونگی وقوع انقلاب دارند. در ادبیات مدرن انقلاب‌ها که به طور عمده در اواسط قرن بیستم و به طور خاص در دهه‌های پنجاه و شصت این قرن شکل یافته و در دهه هفتاد به تکامل می‌رسد به تدریج با وارد شدن رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در بحث انقلاب، ادبیات سیاسی معاصر در این زمینه بسیار غنی گردید. نتیجه‌تطور و تکامل این ادبیات، تولد رهیافت‌های عمده‌ای (جامعه‌شناسی، اقتصادی، روانشناسانه، سیاسی و فرهنگی) است که برخی از آن‌ها در دوران خود اندیشمندان گوناگونی با رویکردهای متفاوتی را نیز جای می‌دهند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1389). به طور کلی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، دیدگاه علمی غالب نظریه‌پردازی‌های انقلاب این بود که انقلاب پدیده‌ای متعلق به مدرنیته است که به کاهش نقش مذهب در جامعه یا سکولاریزه شدن جامعه، افزایش توقعات فزاینده اقتصادی و عدم نوسازی سیاسی معطوف است. اما پیروزی انقلاب اسلامی تحولات گسترده‌ای در نظریه‌های انقلاب به وجود آورد و موجب گردید مفاهیمی که تا پیش از این در نظریه‌پردازی‌ها مورد توجه قرار نمی‌گرفت، به طور فعال در عرصه نظریه‌پردازی در حوزه انقلاب وارد شود. انقلاب اسلامی پدیده‌ای بود که به دلیل پیچیدگی‌ها و خصوصیات ویژه‌اش، سرعت وقایع، زودرس بودن پیروزی و فائق آمدن مردمی بی‌سلاح بر رژیم مسلح و بهره‌مند از حمایت خارجی، برداشت‌های متفاوتی را پذیرا شد. هر یک از دیدگاه‌های پنج‌گانه توطئه، اقتصاد، مدرنیزاسیون، مذهب و استبداد؛ ضمن پذیرش وجود عوامل مختلف در انقلاب ایران، بر یک عامل به عنوان عامل اصلی تأکید می‌کنند (ملکوتیان و دیگران، 1384). یکی از اهداف این پژوهش آن است که دریابد پژوهشگران حوزه انقلاب اسلامی در مجلات ایرانی منتشر شده این حوزه، کدام ماهیت و چه متغیرهایی از نظریات را در خصوص تبیین انقلاب اسلامی ایران به کار برده و چه روشی را برای دستیابی به داده‌ها و تحلیل‌های خود استفاده کرده‌اند؟

## روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش، فرا تحلیل است. فراتحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که

تحقیقات انجام شده را ارزیابی می‌کند. فراتحلیل عبارت است از تحلیل آماری بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد در حوزه‌ای معین به منظور ترکیب و یکپارچه سازی نتایج آن‌ها. در فراتحلیل تحقیقات موجود، تاکید بر ترکیب و یکپارچه سازی نتایج آن‌ها جهت استفاده علمی و کاربردی است تا از تحقیقات، نتایج تحقیقات و تحلیل موجود، تحلیل دیگری عرضه کنیم. این فراتحلیل، شامل کلیه مراحل تحقیق یعنی نظریه، روش، نتایج و ... می‌شود. در روش فراتحلیل ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماوراء و فراتر از کل اولیه می‌رسیم، سپس تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان می‌دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند. آنچه که بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه سازی پژوهش‌هایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نظر روش شناختی نیز فراتحلیل به روشنی خلاءها و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان می‌دهد. در حقیقت، پایداری این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی آن‌ها از طریق آزمون سازگاری آن‌ها با واقعیت به دست می‌آید و هر دو این‌ها، مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فراتحلیل است (Geyskens et al, 2008 و Gurevitch et al, 2018) در فرا تحلیل مقاله حاضر؛ تمرکز اصلی بر «بررسی و تحلیل مقالات منتشر شده در 4 فصلنامه علمی - پژوهشی حوزه انقلاب اسلامی منتشر شده در ایران» یعنی «فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی» قرار دارد. ویژگی‌های هر یک از فصلنامه‌های مورد بررسی در جدول شماره 1 بیان شده است.

#### جدول 1: ویژگی -های فصلنامه‌های حوزه انقلاب اسلامی مورد بررسی در پژوهش

| ردیف | نام فصلنامه             | وابستگی سازمانی                | شماره آغازین مورد بررسی | شماره پایانی مورد بررسی | تعداد شماره‌ها |
|------|-------------------------|--------------------------------|-------------------------|-------------------------|----------------|
| 1    | پژوهش‌های انقلاب اسلامی | انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران | تایستان 1391            | زمستان 1396             | 23 شماره       |
| 2    | رهیافت انقلاب اسلامی    | مستقل                          | بهار 1386               | زمستان 1396             | 41 شماره       |
| 3    | مطالعات انقلاب اسلامی   | دانشگاه معارف اسلامی قم        | زمستان 1377             | زمستان 1396             | 51 شماره       |
| 4    | پژوهشنامه انقلاب اسلامی | دانشگاه بوعلی سینا همدان       | زمستان 1390             | زمستان 1396             | 25 شماره       |

این پژوهش با بررسی مقالات منتشر شده در 4 فصلنامه مذکور، در صدد شناسایی کمیت و کیفیت مقالاتی است که چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 را مورد بحث قرار داده‌اند. مراحل پژوهش به شرح زیر است:

1. مراجعه به سایت اختصاصی هر یک از فصلنامه‌های «پژوهش‌های انقلاب اسلامی<sup>1</sup>، رهیافت انقلاب اسلامی<sup>2</sup>، مطالعات انقلاب اسلامی<sup>3</sup> و پژوهشنامه انقلاب اسلامی<sup>4</sup>». در خصوص دو مورد از فصلنامه‌های مذکور (فصلنامه‌های مطالعات انقلاب اسلامی و رهیافت انقلاب اسلامی) به دلیل عدم وجود شماره‌های آغازین در سایت فصلنامه، به پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز<sup>5</sup>) مراجعه شد.

2. بررسی همه مقالات منتشر شده با مرور موضوعی و بررسی چکیده (در صورت لزوم) با هدف استخراج «مقالات مرتبط با هدف اصلی تحقیق» (دستیابی به مقالات تبیین کننده چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران). وضعیت مقالات مستخرج در این مرحله به شرح جدول زیر است:

**جدول 2:** وضعیت مقالات مستخرج و مرتبط با موضوع پژوهش (چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران)

| ردیف | نام فصلنامه             | تعداد مقالات مرتبط با موضوع پژوهش |
|------|-------------------------|-----------------------------------|
| 1    | پژوهش‌های انقلاب اسلامی | 18                                |
| 2    | رهیافت انقلاب اسلامی    | 13                                |
| 3    | مطالعات انقلاب اسلامی   | 23                                |
| 4    | پژوهشنامه انقلاب اسلامی | 17                                |

در مجموع 71 مقاله از میان مجموع مقالات منتشر شده در فصلنامه‌های مذکور به بحث در خصوص چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد.

1 <http://www.roir.ir/>

2 <http://www.rahyaft.info/>

3 <http://enghelab.maaref.ac.ir/>

4 <https://tjir.basu.ac.ir/>

5 <https://www.noormags.ir/>

3. مرحله بعد، به بررسی محتوایی مقالات مورد نظر از زوایای مختلف اختصاص دارد. بررسی محتوایی پژوهش بر دو حوزه اصلی پژوهشگران و دانش پژوهی به شرح زیر متمرکز است:

#### الف) حوزه پژوهشگران

معیارهای اصلی بررسی در حوزه پژوهشگران به شرح زیر است:

**جدول 3:** مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی در قسمت پژوهشگران

| ردیف | مؤلفه                                    |
|------|--|
| 1    | درجه علمی                                |
| 2    | عضویت دانشگاهی                           |
| 3    | حوزه آموزشی (وابستگی به گروه‌های آموزشی) |
| 4    | جنسیت                                    |
| 5    | تعداد نویسندگان                          |

#### ب) حوزه دانش پژوهی

معیارهای اصلی بررسی در حوزه دانش پژوهی به شرح زیر است:

**جدول 4:** مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی در قسمت دانش پژوهی

| ردیف | مؤلفه                                  |
|------|--|
| 1    | نظریه مورد استفاده                     |
| 2    | تبیین علی بیان شده                     |
| 3    | ابعاد جغرافیایی مورد بررسی (ملی، محلی) |
| 4    | روش تحقیق                              |

لازم به ذکر است که برای بررسی مؤلفه‌های محتوایی حوزه دانش پژوهی چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، لازم بود که علاوه بر چکیده مقاله، قسمت چارچوب (مبانی) نظری مقالات به

طور کامل مطالعه و مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای شناسایی روش تحقیق مورد استفاده در مقالات، بخش روش تحقیق مقالات مورد بررسی قرار گرفت. در مورد مقالاتی که به طور مجزا دارای این بخش نبودند نیز بدنه اصلی مقاله بررسی شد. در نهایت برای شناسایی تبیین علی صورت گرفته، بخش یافته‌های مقالات، مورد بررسی قرار گرفت.

## یافته‌های پژوهش

**الف) خصوصیات پژوهشگران حوزه چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران**  
در این بخش به بررسی ویژگی‌های مختلف نویسندگانی که تولید کننده دانش مربوط به «چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران» در فصلنامه‌های «پژوهش‌های انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی و پژوهشنامه انقلاب اسلامی» هستند؛ می‌پردازیم. این ویژگی‌ها، ابعاد مختلفی از جمله درجه علمی نویسندگان، جنسیت نویسندگان، میزان همکاری در تدوین مقالات (تعداد نویسندگان)، عضویت دانشگاهی نویسندگان و حوزه آموزشی (وابستگی به گروه‌های آموزشی) را شامل می‌شود:

1. وضعیت درجه علمی نویسندگان مقالات حوزه چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مقالات (در حدود 40 درصد) را استادیاران دانشگاه‌ها نوشته‌اند. در مرتبه بعد، دانشجویان دکتری با سهم 17 درصدی قرار دارند. دانشیاران دانشگاه‌ها و فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها با سهم برابر 13 درصد در مرتبه بعد قرار دارند. کمترین میزان مشارکت در تدوین مقالات این حوزه را دانشجویان کارشناسی ارشد (حدود 8 درصد)، فارغ التحصیلان دکتری (حدود 4 درصد)، مرتبه علمی استاد (حدود 4 درصد)، تحصیلات حوزوی (کمتر از یک درصد) و مربی (کمتر از یک درصد) بر عهده دارند. دلالت نتایج بر این موضوع قرار دارد که همچنان نقش انگیزه‌ها و امتیازات نهفته در ارتقاء، ترفیع و سایر ترتیبات رسمی دانشگاهی در نگارش مقالات این حوزه انقلاب اسلامی برجسته است. بالا بودن سهم استادیاران و دانشجویان دکتری نشان از این امر دارد. پژوهش‌های گوناگون از جمله گزارش «بررسی و آسیب شناسی آیین نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیئت علمی» که توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری منتشر شده است به نقش «گره خوردن تمام شئون استاد به سیستم معیوب آیین نامه ارتقاء»، «فقدان ساختار پویا و ضعف نگاه به توانمندی‌های فردی اساتید» اشاره می‌کند. در خصوص همزمانی سهم بالای استادیارها و دانشجویان دکتری نیز نقش آیین‌نامه‌های دانشگاهی مبنی بر الزام انتشار مقاله

دانشجویان دکتری برای فارغ التحصیلی و الزام درج نام اساتید راهنما قابل توجه هست (گزارش معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، 1390). بیشتر نیز پژوهشی دیگر که به بررسی پژوهش‌های منتشر شده در حوزه مطالعات روابط بین الملل در ایران پرداخته بود به نتایج مشابهی در خصوص سهم بالای این مرتبه علمی (استادیار) در این پژوهش‌ها رسیده بود (مشیرزاده و خواجه نایینی، 1393). در نتیجه می‌توان گفت؛ ارتقاء سطح کیفی پژوهش‌های حوزه انقلاب اسلامی در ایران معلول مؤلفه‌های مختلفی است که یکی از آن‌ها انجام اصلاحات نهادی در دانشگاه‌هاست به نحوی که ورود پژوهشگرانی با مرتبه علمی «استاد و دانشیار» به مطالعات این حوزه را تسهیل کند.

2. میزان کمی مشارکت گروهی در تألیف مقالات حوزه چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی

### ایران

اکثر مقالات یعنی در حدود 66 درصد مقالات به صورت جمعی (با مشارکت 2 یا 3 نویسنده) به نگارش درآمده و در حدود 34 درصد مقالات به صورت انفرادی نگارش شده است. یکی از مشاهداتی که در زمینه ارتباط علمی به خوبی مستند شده، این است که محققان اکنون کمتر به کار انفرادی بر روی فعالیت‌های پژوهشی خود تمایل دارند (Katz and Martin, 1995). البته با توجه به حاکم بودن روحیه کار انفرادی و بالابودن امتیاز تألیف مقالات انفرادی در ایران، نتایج تحقیق نشان از وضعیت مثبت مطالعات انقلاب اسلامی به لحاظ مشارکت گروهی نویسندگان دارد.

### 3. درجه تخصص گرایی یا مشارکت میان رشتگی مؤلفان حوزه انقلاب اسلامی ایران

نویسندگان با تخصص علوم سیاسی با برخورداری از سهمی قاطع در حدود 53 درصد، بیشترین نقش را در تدوین مقالات حوزه چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند. نویسندگان عضو گروه معارف اسلامی با فاصله زیاد (برخورداری از سهم حدود 9 درصدی) در رتبه دوم قرار داشته و پس از آن، رشته‌های تاریخ (حدود 7 درصد)، جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی (حدود 4/5 درصد) و تاریخ انقلاب اسلامی (4/5 درصد) قرار دارند. کمترین سهم را نیز رشته‌هایی مثل مدیریت، علوم اجتماعی، ادبیات فارسی، مطالعات منطقه‌ای، فلسفه و فرهنگ و ارتباطات دارند. نویسندگان با تحصیلات حوزوی نیز سهمی در حدود 1/5 درصد را در تدوین مقالات حوزه چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران تشکیل می‌دهند. با توجه به تحولات سالیان اخیر در تشکیل گروه‌ها و رشته‌های تخصصی حوزه انقلاب اسلامی، می‌توان سهم رشته‌های تخصصی مربوط به انقلاب اسلامی را به صورت مجموع رشته‌های تاریخ انقلاب اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، جامعه



شناسی انقلاب اسلامی و گروه معارف اسلامی (دارای گرایش انقلاب اسلامی) معادل 20 درصد در نظر گرفت. بند ج ماده 15 قانون پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (نهادینه کردن تجارب علمی و عملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و نظریه پردازی در حوزه‌های مرتبط) سرآغاز تحولات نهادی برای تشکیل رشته‌های تخصصی انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع باید شاهد تحرک بیشتری از محققان رشته‌های تخصصی انقلاب اسلامی در تألیف مقالات این حوزه باشیم. از طرفی سهم بالای رشته علوم سیاسی در تدوین مقالات حوزه چرایی و چیستی انقلاب اسلامی ایران، بیانگر غلبه سنت نهادی سیاست بر مطالعات حوزه انقلاب اسلامی است. نگرش به تحولات حوزه انقلاب اسلامی از زاویه دید «رشته سیاست» می‌تواند نتایج مهمی را به دنبال داشته باشد. ورود «نظریات علم سیاست» در تحلیل‌های حوزه انقلاب اسلامی از زمره مهمترین این نتایج است. بعدتر در بخش یافته‌های این مقاله در حوزه نظریات مورد استفاده می‌توان این نکته را به خوبی مشاهده کرد. از سوی دیگر در فضای تحلیل علوم سیاسی پس از انقلاب اسلامی، «مسئله وارگی بومی سازی» به دلیل دغدغه «هویتی» آن نیز می‌تواند در نظر گرفته شود. ادبیات متعارف علوم سیاسی و روابط بین الملل بر مبنای مفروض سکولاریسم و جدایی دین از قلمروی سیاست، اقتصاد و حوزه عمومی تدوین شده است. هرچند این به معنای آن نیست که صفر تا صد بسته علوم سیاسی متعارف را بی‌درنگ، غیر مفید در جمهوری اسلامی تلقی کنیم؛ اما به هر تقدیر، مفروضات سکولاریستی مندرج در آن در دولت دینی ایران بعضاً دچار ناهم‌سازگاری می‌شود و وجه دیگری از مسئله وارگی علم بومی رخ می‌نماید (برزگر، 1395). نکته دیگری که در خصوص رشته‌های دانشگاهی که به تألیف مقالات حوزه چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران مبادرت ورزیده‌اند باید گفت این است که غنای نظری مقالات این حوزه نیازمند «فعالیت میان رشته‌ای برجسته‌تر» و مشارکت بیشتر و متنوع‌تر رشته‌هایی مثل علوم اجتماعی، مدیریت، اقتصاد، روان‌شناسی، مطالعات منطقه‌ای و تاریخ در تدوین مقالات این حوزه است. این امر می‌تواند زاویه دید پژوهشگران به تحولات وقوع انقلاب اسلامی را وسعت بخشیده، ورود نظریات این رشته‌ها به مباحث انقلاب اسلامی را تسهیل کرده و نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناسانه و تاریخی را در تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی به بوته نقد گذاشته و درواقع مؤلفه‌های میان‌رشته‌ای را در علت‌یابی وقوع انقلاب اسلامی پررنگ‌تر کند. به عنوان نکته پایانی باید گفت که انتظار بیشتری از حوزه‌های علمیه و پژوهشگران حوزوی در تدوین دانش حوزه انقلاب اسلامی می‌رود. سهم 1 درصدی پژوهشگران حوزوی در

مطالعه حاضر از یک طرف نشان‌گر عدم ورود آن‌ها در تألیفات مربوطه - به دلایل مختلف - بوده و از طرف دیگر همکاری مشترک دانشگاهیان و حوزویان در تدوین مقالات را نیز به طور بسیار ضعیف شاهد هستیم. امری که با رفع شدن موانع آن این امکان را فراهم می‌آورد که علوم حوزوی با علوم دانشگاهی پیوند خورده و ترکیب یافته‌ها و نظریات اسلامی - ایرانی با نظریات دیگر را شاهد باشیم.

#### 4. جنسیت نویسندگان حوزه چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران

در حدود 93 درصد از مقالات مورد بررسی توسط مردان و تنها در حدود 7 درصد مقالات توسط زنان به نگارش درآمده‌اند. دلیل این موضوع می‌تواند با نسبت نابرابر تعداد زنان و مردان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها مرتبط باشد. بر پایه گزارش رسمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی در سال 1395، از مجموع اعضای هیئت علمی تمام وقت دارای مدرک دکتری در مؤسسات وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، 8/15 درصد را زنان و 84/2 درصد را مردان تشکیل می‌دهند. هرچند در خصوص دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، این نابرابری تا این حد نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که در سالیان اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی برای ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی کشور، در پانصد و هفتادمین جلسه (مهر ماه 1384) مجموعه سیاست‌هایی را مصوب نموده است.

#### 5. عضویت دانشگاهی نویسندگان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حدود 10 درصد از مقالات توسط پژوهشگران دارای وابستگی دانشگاهی به دانشگاه آزاد اسلامی نگارش یافته‌اند. وابستگی دانشگاهی به دانشگاه پیام نور نیز سهمی در حدود 4/5 درصد را دارا می‌باشند. وابستگی به پژوهشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و مؤسسات تحقیقاتی تابعه وزارت علوم نیز دارای سهم 11 درصدی در تدوین مقالات این حوزه هستند. بیشترین سهم را نیز وابستگی دانشگاهی به دانشگاه‌های مختلف دولتی با سهم تقریبی 74 درصدی دارا می‌باشند. نکته قابل ذکر آن است که برخورداری بسیاری از پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های علوم انسانی که دارای دپارتمان‌ها و گروه‌های تخصصی در حوزه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، فقه سیاسی، اندیشه اسلام، جامعه‌شناسی سیاسی و ... هستند؛ این انتظار را ایجاد می‌کند که شاهد تولیدات بسیار بیشتری از وابستگی پژوهشی و دانشجویان آن‌ها در تولیدات این حوزه انقلاب اسلامی باشیم. نکته قابل توجه آنکه؛ مأموریت برخی از پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های کشور به طور اختصاصی در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی تعریف شده است (بنگرید به جدول شماره 5).

**جدول 5:** پژوهشکده‌های تخصصی انقلاب اسلامی فعال در کشور

| ردیف | پژوهشکده دارای فعالیت تخصصی در حوزه انقلاب اسلامی     | وابستگی سازمانی   |
|------|---|---|
| 1    | پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی           | پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (وزارت علوم)      |
| 2    | پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی                   | وزارت علوم  |
| 3    | پژوهشکده انقلاب اسلامی                                | پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه (وزارت علوم) |
| 4    | پژوهشکده علوم اجتماعی و انقلاب                        | دانشگاه آزاد اسلامی                                     |
| 5    | پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی (گروه انقلاب اسلامی) | پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (وزارت علوم)             |
| 6    | پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی           | پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (وزارت علوم)      |

**ب) ویژگی‌های دانش تولیدی و مطالعات حوزه چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران**

**1. روش شناسی مطالعات**

اکثر مقالات مورد بررسی (در حدود 95 درصد) از روش تحلیل محتوا<sup>6</sup> برای تبیین‌های خود، بهره برده‌اند. تحلیل محتوا، روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد. پژوهشگر با استفاده از تحلیل محتوا وجود مفهوم و ارتباط بین واژه‌ها و یا مفاهیم را تحلیل کرده و درباره پیام‌های موجود در متن، نویسنده آن، مخاطب و حتی فرهنگ و دوره زمانی اثر نتیجه‌گیری می‌نماید (ضیغمی و دیگران، 1387). در میان مقالاتی که از روش تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند، تنها یکی از مقالات، واحد تحلیل خود را بر منبعی به جز کتب و مقالات (منابع عمومی‌تر) قرار داده و «دو روزنامه کیهان و اطلاعات» را به طور خاص به عنوان واحد

6 Content analysis

تحلیل خود انتخاب کرده است. این مقاله در پژوهشی ارزشمند با بررسی مقالات روزنامه‌های مذکور در فاصله زمانی سال‌های 1340 تا 1357، تأثیر ایدئولوژی پهلوی بر رشد اسلام سیاسی به عنوان عامل اساسی در وقوع انقلاب اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است (حضرتی و قربانی، 1395). از سوی دیگر تنها 3 مقاله دیگر (یکی با استفاده از پیمایش (با بهره‌گیری از پرسشنامه) و 2 مقاله دیگر با صورت دادن مصاحبه (در کنار تحلیل محتوا) به بررسی مؤلفه‌های دخیل در وقوع انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. یکی از مقالات که درصدد بررسی انگیزه مشارکت کنندگان در انقلاب اسلامی ایران بوده است در پیمایشی با 500 نمونه از افراد 45 سال به بالا که به روش سهمیه‌ای انتخاب شده اند نشان داده است که حفظ ارزش‌های اسلامی مهمترین انگیزه انقلابیون بوده است (شایگان، 1389). 2 پژوهش دیگر از ابزار «مصاحبه» با خبرگان بهره برده‌اند که یکی از آن‌ها مربوط به پژوهشی است که درصدد بررسی نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت جریان اسلام‌گرا بوده است (دارا، 1389). پژوهش دیگر نیز با صورت دادن مصاحبه با صاحب‌نظران مربوطه به بررسی نقش مساجد و کانونهای مذهبی در شکل‌گیری نهضت امام خمینی ره پرداخته است (پورمؤذن، 1394). از این معدود مقالات (کمتر از 5 درصد) که بگذریم، جای خالی روش‌های نوین کیفی و کمی در مطالعات حوزه انقلاب اسلامی ایران را شاهد هستیم. هرچند استفاده از روش‌های تحلیل کمی، در مقام دآوری تجربی، درجه عینیت را افزایش می‌دهد، با وجود این، تحلیل کمی از تحلیل کیفی بی‌نیاز نیست. محقق به منظور تکمیل تحلیل و دستیابی به بسندگی معنایی، نیازمند آن است که تحلیل کمی را با تحلیل کیفی همراه سازد. تحلیل کیفی بار معنایی یافته‌های کمی را روشن‌تر می‌کند. در فرآیند تحقیق تجربی ممکن است شاهد گزاره‌های مشاهده‌ای ددرساز باشیم. این گزاره‌ها را می‌توان در زمینه خود قرار داد و به صورت عمیق تأویل کرد (ساعی، 1386: 143 - 144). در بعد معرفت‌شناسی باید گفت رویکرد کمی گرای بر برون‌گرایی و توجه به جنبه‌های بیرونی واقعیت و اثبات‌گرایی تأکید دارد، در حالی که در رویکرد کیفی بر ساختارگرایی، ذهن‌گرایی و تفسیرگرایی تأکید می‌شود. در رویکرد تلفیقی، ابعاد مختلف بیرونی و اثباتی و نیز جنبه‌های کیفی و ذهنی واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین، از جنبه روش‌شناسی، رویکردهای کمی به بررسی تجربی واقعیت و نمونه‌گیری می‌پردازند. در رویکردهای کیفی با تأکید بر قوم‌شناسی، پدیده‌شناسی، مطالعه اکتشافی، پژوهش بر مبنای عملکرد، تحلیل گفتمان و با استفاده از روش‌هایی مانند پرسش-نامه بازپاسخ، مشاهده، مصاحبه، تحقیق موردی و مانند آن، به مطالعه کیفی موضوعات پرداخته می‌شود. در حالی که در رویکردهای تلفیقی محقق به استفاده توأمان رویکردهای کمی و کیفی برحسب

موضوع تحقیق می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی، سعی در مطالعه جامع‌تر موضوع می‌کند (نیازی، 1390). به نظر می‌رسد نوآوری و خلاقیت‌های آتی در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی، ریشه در به کارگیری روش‌های نوین، تلفیقی و غیرسنتی (مطابق آنچه در بالا گذشت) در جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوطه داشته باشد.

2. ابعاد جغرافیایی مورد بررسی در حوزه چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حدود 95 درصد از مقالات مورد بررسی با تمرکز بر مفهوم انقلاب در ابعاد ملی، انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده‌اند. سایر مقالات دو رویکرد را در پیش گرفته‌اند. دسته‌ای از مقالات، چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی را در سطح محلی (استان، شهر و ...) بررسی کرده و با روشی استقرایی آن را تعمیم داده‌اند. دسته دیگری از مقالات نیز در روشی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران را با یکی از انقلاب‌های نقطه‌ای دیگر در جهان مقایسه کرده تا ضمن آن، شواهد و مؤلفه‌های تحلیلی خود را استخراج کنند. در مورد دسته اول تنها دو مقاله نگارش شده است. یکی از این پژوهش‌ها مربوط به تحولات پیروزی انقلاب اسلامی در استان چهارمحال بختیاری است. نویسنده در این پژوهش به بررسی نقش مبارزاتی مردم استان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی ایران پرداخته است (ایزدی و دیگران، 1395). پژوهش دیگر تمرکز خود را بر نقش کانونهای مذهبی و مساجد شهر مراغه در تحولات وقوع انقلاب اسلامی ایران قرار داده است (پورمؤذن، 1394). همانطور که گفته شد دسته دوم پژوهش‌ها شامل مواردی می‌شود که سعی دارد تا با مقایسه انقلاب اسلامی ایران با سایر موارد مشابه، به یافته‌های تحلیلی مرتبط دست پیدا کند. به نحو جالبی، 5 مورد از آن‌ها بر تحلیل مقایسه‌ای «انقلاب مصر» با انقلاب اسلامی ایران تمرکز کرده و تنها یکی از مقالات، تحلیل تطبیقی «انقلاب فرانسه» را مورد نظر داشته‌اند. مؤلفه‌های تطبیقی انقلاب مصر و انقلاب اسلامی ایران نیز شامل عناصری چون «رسانه‌ها» (هراتی و قاسمی، 1393 و گلکار و همکاران، 1396)، «ایدئولوژی» (هراتی، 1395)، «گفتمان دینی» (بصیری و بلیانی، 1391)، «رهبری» (دهقانی فیروزآبادی و آجورلو، 1392) می‌شود. در مورد انقلاب فرانسه نیز مؤلفه «رهبری» مورد بررسی تطبیقی با انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است (کریمی و نوروزی، 1391). نتیجه آنکه؛ مطالعات مربوط به چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران می‌تواند با بررسی‌های مقایسه‌ای بیشتر و متنوع‌تر از لحاظ جغرافیای مورد مقایسه و دخیل کردن مؤلفه‌هایی با ماهیت متفاوت مثل «اقتصاد، جامعه مدنی، شیوه حکمرانی و نظام اجتماعی» به یافته‌های خود عمق داده و جنبه‌های نوینی را به بوته تحلیل گذارند. البته باید توجه داشت که تحقیق تطبیقی، مقایسه جوامعی

که دارای ماهیت و ساخت‌های یکسان و مشابه (مورد محور - کیفی) و تطبیقی جوامعی که دارای ماهیت و ساختار متفاوت (متغیر محور - کمی) می‌باشند مورد بحث قرار می‌گیرد. با توجه به این مسئله می‌توان به دو صورت تطبیق درونی و بیرونی پدیده‌های اجتماعی را در واحدهای کلان اجتماعی مورد بحث و تفسیر قرار داد، بر همین مبنا، گذار از نظریه‌های عمومی و رسیدن به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی بالاخص (جامعه‌شناسی تاریخی - انقلاب - سیاسی - سازمان‌ها - توسعه و تغییرات اجتماعی) اهمیت روش تحلیل تطبیقی را دوچندان کرده است؛ بر این اساس حجم نمونه واحدها یا نمونه‌های مورد بررسی از نکات مهم و اساسی این نوع تحقیق است که مطالعه تحقیق تطبیقی کمی را با موارد زیاد در قالب (N) بزرگ و مطالعه تطبیقی کیفی را با موارد محدود (n کوچک) مورد تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد (آکادمی تجزیه و تحلیل آماری ایران، 1394). در خصوص مطالعات تطبیقی چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران باید گفت دوره‌های اخیر مطالعات علوم اجتماعی جایگاه محوری به این روش بخشیده است، زیرا تحلیل تطبیقی اساس و جوهره بسیاری از روش‌های تحقیقی در علوم اجتماعی می‌باشد. البته ضرورت گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب، جامعه‌شناسی سیاسی و تحولات اجتماعی و فرهنگی توجه به روش و تحلیل تطبیقی را دوچندان ساخته است. به نظر گلدستون، «نظریه‌های عمومی انقلاب توان درک تفاوت‌ها را ندارد. بنابراین پژوهشگران برای بررسی ریشه‌های انقلاب‌ها توجه خود را از نظریه‌های عمومی خشونت سیاسی به مطالعات تاریخی و تطبیقی در خصوص ساختار انواع متفاوت دولت‌ها و روابط کشاورزی معطوف نمایند» (گلدستون، 1385: 20). علاوه بر این افرادی همچون تدا اسکاچپول در بررسی انقلاب‌های اجتماعی به خصوص در کتاب «دولتها و انقلاب‌های اجتماعی» (1389)، برینگتون مور در کتاب «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی» (1395)، کرین بریتون (1390) در کتاب «کالبد شکافی چهار انقلاب» از روش تطبیقی و تحلیلی استفاده نموده‌اند.

### 3. نظریه‌های مورد استفاده در حوزه چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران

به مجموعه‌ای از مفاهیم نظام یافته که واقعیتی را بیان می‌کنند نظریه گفته می‌شود. این واقعیت نتیجه تلاش عملی در گردآوری شواهد واقعی و برقراری ارتباط بین یافته‌هاست. مهمترین کارکرد چارچوب نظری این است که به تحقیق جهت می‌بخشد و ذهن محقق را نسبت به وجوه مشخصی از پدیده مورد مطالعه یا بافتی که آن را احاطه کرده است، حساس و هشیار می‌سازد. در واقع نظریه امکان توصیف واقعیات و پیش بینی وضعیت آینده را فراهم می‌کند و به پرسش‌های چرا، چگونه و

چه چیز، پاسخ می‌دهد. وجود چارچوب نظری در تحقیق اجتناب‌ناپذیر است. حتی اگر محقق به روشنی در مقاله و گزارش تحقیق خود به آن اشاره نکند، خواسته یا ناخواسته چارچوبی نظری داشته است. اما بازتاب آن ممکن است در بخش‌ها یا مراحل مختلف تحقیق نمود پیدا کند. مثلاً چارچوب نظری ممکن است خود را در روش‌شناسی تحقیق نشان دهد. مثلاً محققانی که از رویکرد کیفی در پژوهش خود استفاده می‌کنند، مبانی گردآوری و تحلیل داده‌های این مطالعات را از پارادایم تفسیری گرفته‌اند که رابطه‌ای اعم و اخص با چارچوب نظری دارد. به همین دلیل در بعضی از منابع چارچوب نظری را به عنوان «چارچوب پارادایمی تحقیق (Theoretical Paradigm of Research)» نیز معرفی می‌کنند. چهارچوب نظری مناسب، متغیرهای مهم را در وضعیتی که مرتبط با مسئله پژوهش است شناسایی و مشخص می‌کند و پیوند این متغیرها را به گونه‌ای منطقی ارائه می‌دهد. جدول زیر خلاصه یافته‌های مربوط به چارچوب‌های نظری مورد استفاده قرار گرفته توسط پژوهشگران مختلف برای تبیین چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران را نشان می‌دهد.

### جدول 6: چارچوب‌های نظری مورد استفاده پژوهشگران مختلف در تبیین چرایی و چگونگی وقوع

انقلاب اسلامی ایران بدون ذکر نظریات تکرار شده (منبع: مؤلفان)

|                                  |                          |                             |                                   |                        |   |   |
|----------------------------------|--------------------------|-----------------------------|-----------------------------------|------------------------|---|---|
| نظریه محاده                      | مفهوم عاشورا             | نظریه بسیج چارلز تیلی       | نظریه قدرت شبکه- ای مانوئل کاستلز | نظریه ارتباطی هاوولد   | فرهنگ سیاسی                                 | نظریه بسیج چارلز تیلی و نظریه محرومیت نسبی رابرت گر |
| نظریه گفتمان اپیزودیک منصور معدل | نظریه اصالت‌گرایی اسلامی | نظریه ساخت-یابی گیدنز       | اسلام انقلابی شیعی                | تحلیل گفتمان           | رهبر تحول‌آفرین                             | نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام                         |
| هویت دینی                        | نشریه سیستمی             | نظریه گفتمان لاکلائو و موفه | نظریه جامعه‌پذیری سیاسی           | نظریه ارتباطات اجتماعی | نظریه ثبات سیاسی لیندبلاد و کارکرد رسانه‌ها | نظریه رسانه‌های ارتباطی                             |
| نظریه پخش                        | سرمایه اجتماعی           | ساختار کارگزار              | نظریه رفتار سیاسی                 | نظریه توسعه            | رویکرد گفتمانی-                             | نظریه وفاداری                                       |

|                              |  |                         |                                |   |   |                               |
|------------------------------|--|-------------------------|--------------------------------|---|---|-------------------------------|
| تورستن هاگراستراند           |  |                         | آلفرد آدلر                     | نامتوازن هانتینگتون                                     | تاریخی روث ووداک و نظریه تحلیل گفتمانی مشروعیت تئوون لیون | نیروهای سرکوب راسل            |
| فرهنگ سیاسی شیعه             | سیره علوی                                | هویت دینی               | نظریه نوسازی ساموئل هانتینگتون | رهبری انقلاب  | مرجعیت در اسلام   | کارکردهای سیاسی مرجعیت اسلامی |
| افکار شهید مطهری             | اسلام سیاسی                              | قدرت نرم                | جنبش‌های اجتماعی               | نظریه بسیج منابع چارلز تیلی و نظریه تعادل سیستمی جانسون | رهبری در نهاد فقاقت و مرجعیت                              | نظریه ارتباطات سنتی           |
| اصلاح نظریه ساختار - کارگزار | نظریه کاشت و نظریه بسیج منابع چارلز تیلی | جامعه شناسی سیاسی معرفت | سرمایه اجتماعی پیر بوردیو      | رهبری در اندیشه سیاسی شیعه                              | نظریه رسانه مک لوهان                                      |                               |

همانطور که مشاهده می‌شود، پژوهشگران مختلف، چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران را با استفاده از طیف وسیعی از چارچوب‌ها و نظریه‌ها مورد تبیین قرار داده‌اند. برخی از نظریات نیز به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته یا اینکه نویسنده با تبیین-های صورت داده سعی کرده است که نظریه را اصلاح کرده و مورد استفاده قرار دهد. در خصوص یافته‌های نظری مقالات مورد بررسی باید به نکات زیر اشاره کنیم:

**الف)** در حدود 20 درصد از مقالات از هیچ چارچوب نظری و بنیان تئوریک در خصوص تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران بهره نگرفته‌اند که این به نوبه خود یک ضعف محسوب می‌شود. این در حالی است که بقیه مقالات (80 درصد) با استفاده از رویکرد قیاسی و بهره



بردن از یک چارچوب مفهومی، چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران را تبیین کرده‌اند. برای نظریه نقش‌های متفاوت و متعددی مطرح شده است. این بحث‌ها بیشتر مربوط به این موضوع هستند که آیا باید ابتدا نظریه را ساخت و سپس به پژوهش پرداخت، یا برعکس آن عمل کرد، و یا ترکیبی از این دو روش را به کار بست؟ نظریه‌های استقرایی، الگوهای کلی را از درون مشاهدات جزئی پیدا می‌کنند و از واقعیت‌ها به سمت نظریه‌ها حرکت می‌کنند. درحالی که در استدلال قیاسی، یک محقق با استفاده از گزاره‌هایی اولیه بر گرفته از نظریه‌های دارای پشتوانه‌های (evidence) قوی‌تر تجربی و همچنین گزاره‌هایی درباره شرایط خاص تحقیق خود در طی فرایندی استدلالی (argumentation) اقدام به تدوین قضایا (Theorem) و یا گزاره‌هایی قابل آزمون (propositions) می‌کند. نقطه ضعف پژوهش‌های استقرایی چرایی انقلاب اسلامی ایران، در این است که در پایان نتوانسته‌اند به شرح شفاف تئوریک و مدل‌گویی از استنتاجات نظری مطابق آنچه که در الگوی استقرایی انتظار است ارائه کنند.

**ب) بررسی صورت گرفته در خصوص فراوانی نظریات مورد استفاده در تبیین چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که نظریه‌هایی که شامل مفاهیم «هویت دینی»، «اسلام سیاسی - انقلابی» و «ایدئولوژی شیعی» هستند با فراوانی تقریبی 25 درصد، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته این نظریات شامل طیف وسیعی از مؤلفه‌ها مثل: فرهنگ عاشورا، سیره علوی، مرجعیت دینی، اصالت‌گرایی دینی، رهبری دینی و ... می‌باشند که مخرج مشترک همه آن‌ها برخورداری از «مؤلفه دینی - اسلامی» است. این مؤلفه به انحاء و اشکال مختلف و با استفاده از لنزهای نظری متنوعی نظیر آنچه که در سطور بالا گفته شد در تحلیل نویسندگان مختلف بازتاب پیدا کرده است. همچنین، نظریه‌های ارتباطات با سهم حدود 16 درصدی در رتبه دوم قرار دارند. چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران در چارچوب نظریه‌های ارتباطات بر مؤلفه‌هایی مانند «سرمایه اجتماعی»، «شبکه‌های ارتباطی»، «انتقال پیام» و «رسانه‌های سنتی» استوار است. رتبه سوم نظریات پرکاربرد در تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران را نظریه «بسیج سیاسی چارلز تیلی» با سهم حدود 13 درصد، داراست. پس از نظریات حوزه بسیج سیاسی، نظریه گفتمان (به طور کلی شامل نظریات محققان مختلف به خصوص لاکلاو و موفه) با سهم 9 درصدی در رتبه پنجم قرار دارد.**

**ج) برخی از پژوهشگران نیز با هدف بومی‌سازی یک نظریه، در صدد آن برآمده‌اند تا با اضافه کردن مؤلفه‌ای به نظریه اصلی یا حذف مؤلفه‌ای از آن، به تولید دانش نوینی (درحد نسبی) در این حوزه اقدام کنند. در اکثر این موارد، مؤلفه‌های دینی به یک نظریه مرسوم افزوده شده و بخشهایی از**

آن جرح و تعدیل می‌شود. به عنوان مثال در پژوهشی، تبیین چرایی وقوع انقلاب اسلامی با اصلاح نظریه ساختار - کارگزار توسط اندیشه اسلامی که بر تأثیر گذاری همزمان ساختار و کارگزار تأکید دارد، صورت پذیرفته است (اسفندیار و دیگران، 1396). مثال دیگر در این خصوص، اصلاح نظریه اقتدار کاریزماتیک ماکس وبر با استفاده از مؤلفه‌های دینی یعنی مرجعیت، فقاہت و عدالت در رهبری انقلاب اسلامی بوده است تا بر غیر شخصی و عقلایی بودن رهبری انقلاب تأکید شود (یزدخواستی، بهجت و عزتی، مهدی. 1393). همچنین در پژوهشی دیگر، محققان با ترکیب دو نظریه «جانسون» و «بسیج منابع چارلز تیلی»، تأثیر ضعف دستگاه سرکوب رژیم شاه در مقابله با انقلابیون را مورد بحث قرار داده و نیاز به اصلاح این دو نظریه در تبیین چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران را با افزودن سه مؤلفه «شیوه مبارزه، راهبردها و فرهنگ مقاومت» انقلابیون بیان کرده‌اند (صالح آبادی. 1392).

#### 4. عوامل و مؤلفه‌های تبیین کننده چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران

مجموع متغیرهای استفاده شده توسط پژوهشگران مختلف برای تبیین پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شرح جدول زیر است:

#### جدول 7: متغیرهای مورد استفاده پژوهشگران مختلف در تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب

اسلامی ایران بدون ذکر مؤلفه‌های تکرار شده (منبع: مؤلفان)

|  |   |  |   |  |
|--|---|--|---|--|
| حکمرانی غیر الهی حکومت پهلوی                                   | گسترش ایدئولوژی تشیع انقلابی                    | رهبری امام خمینی                               | ایدئولوژی اسلام سیاسی - انقلابی                   | انتقال امواج انقلابی در سراسر کشور                     |
| سیاستهای ضد دینی حکومت و رهبری امام خمینی                      | بسیج سیاسی مردم توسط امام خمینی                 | مساجد و کانون‌های مذهبی                        | اتتلاف گروههای مبارز به رهبری امام خمینی          | رسانه‌های سنتی به عنوان رابط میان رهبر و مردم          |
| گفتمان امام خمینی مبنی بر جامعیت اسلام                         | اسلام فقاہتی روحانیت شیعه                       | رفتار دربار پهلوی بر خلاف سیره علوی            | مفاهیم و نمادهای عاشورایی                         | ترکیب شکافهای مختلف قومی، اقتصادی، دینی، مدرنیسم و ... |
| گسترش کمی طبقه متوسط جدید و عدم پاسخگویی رژیم به مطالبات آنها  | امام خمینی به عنوان متصل کننده شبکه‌های ضد قدرت | بازگشت به هویت اسلامی                          | ایدئولوژی بسیج گر (اسلام) و ایدئولوگ (امام خمینی) | توانمندی جریان مذهبی در سازگار کردن مردم با اسلام      |
| عدم نهادمندی نظام سیاسی پهلوی و عدم اجازه به مشارکت سیاسی مردم | وابستگی محمدرضا شاه به نفت                      | نقش بی‌ثبات کننده رسانه‌های جمعی بویژه مطبوعات | ضعف بنیان مشروعیتی رژیم و گرایش به میلیتاریسم     | به خطر افتادن منافع جمعی بازاریان و اتحاد با روحانیت   |

|   |                                    |  |  |
|---|------------------------------------|--|--|
| <p>ناتوانی ارتش در سرکوبی انقلابیون</p> | <p>شبکه سازی روحانیت از سال 42</p> | <p>نفی فرهنگ سکولار و مدرنیته غربی با احیای ارزشهای دینی</p> | <p>نقش قدرتمند شبکه وعاظ، مساجد، نوارهای کاست و اعلامیه‌ها به رهبری امام خمینی</p> |
|---|------------------------------------|--|--|

**الف)** اولین یافته جالب توجه در تحلیل چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران این است که در حدود 60 درصد از پژوهشگران بر نقش محوری «رهبری امام خمینی» در پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأکید کرده‌اند. در این پژوهش‌ها، رهبری امام خمینی از ابعاد مختلف و با استفاده از مؤلفه‌هایی مثل «گفتمان اسلام فقهاتی، شیعی و انقلابی، شخصیت کاریزماتیک، شبکه سازی، سوئیچر و انتقال دهنده پیام، نقش مرجعیتی، توحید محوری و تکلیف گرایی» مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

**ب)** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سهم بالایی از پژوهشگران (68 درصد) بر نقش مؤلفه دینی - اسلامی در وقوع انقلاب اسلامی ایران تأکید دارند (بدون در نظر گرفتن تأکید بر رهبری دینی که در مورد الف بیان شد و در برخی موارد به صورت مشترک با مؤلفه دینی - اسلامی بیان شده است). بازنمایی این مؤلفه در پژوهش‌های مختلف اثباتی یا سلبی است. وجه اثباتی بر مفاهیمی مثل ایدئولوژی تشیع انقلابی، اسلام سیاسی، اسلام فقهاتی، هویت اسلامی، توانمندی جریان مذهبی در ایجاد سازگاری مردم با اسلام، غلبه گفتمان انقلابی با دال مرکزی مذهب، فرهنگ حسینی، مهدوی و علوی و ... و وجه سلبی بر مفاهیم از قبیل حکمرانی غیر الهی حکومت پهلوی و سیاست‌های ضد دینی آن تأکید می‌کند.

**ج)** سهم پایینی از پژوهش‌ها (در حدود 32 درصد) بر عواملی به جز عوامل دینی شامل عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در وقوع انقلاب اسلامی ایران تأکید دارند. این عوامل عبارتند از: ضعف دستگاه سرکوب رژیم پهلوی، توسعه نامتوازن اقتصادی و اجتماعی، وابستگی به نفت، رشد طبقه متوسط جدید، عدم نهادمندی نظام سیاسی پهلوی و عدم اجازه به مشارکت سیاسی مردم، شکافهای مختلف شامل قومیتی، مدرنیسم، اقتصادی، دینی و ... .

**د)** یافته‌های مقاله نشان می‌دهد؛ هرچند اکثر پژوهشگران از یک نظریه انفرادی و عاملی تک متغیره برای تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران استفاده کرده‌اند، در برخی موارد از ترکیب دو نظریه و تحلیل دو عاملی بهره گرفته شده است. این مقایسه نوع جدیدی از تحلیل با نام

تحلیل دومتغیره (bivariate analysis) و چندمتغیره (multivariate analysis) را تشکیل می‌دهد که به تحلیل دو یا چند متغیر به طور هم‌زمان می‌پردازد. در بیشتر پژوهش‌ها، تحلیل دومتغیره و چندمتغیره، علاوه بر توصیف، عنصر دیگری بر پژوهش می‌افزاید: تعیین روابط میان خود متغیرها. بنابراین، تحلیل تک متغیره و مقایسه زیرگروه‌ها بر توصیف افراد یا دیگر واحدهای تحلیل تمرکز می‌کند، در حالی که تحلیل دومتغیره و چندمتغیره بر متغیرها و روابط تجربی میان آن‌ها تأکید دارند. به عنوان مثال نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی و نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر در کنار یکدیگر و با ترکیب دو متغیر «احساس نارضایتی» و «سازماندهی» برای تحلیل چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند (احمدی منش، 1394 و نورانی مکرّم دوست، 1389). همچنین در پژوهشی دیگر؛ چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران با ترکیب دو متغیر «رسانه» (مستخرج از نظریه کاشت جرج گرینر) و «سازماندهی» (مستخرج از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی) مورد تحلیل قرار گرفته است (هراتی و قاسمی، 1393).

### نتیجه گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد پژوهشگران ایرانی در مطالعات خود در خصوص چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران دارای برخی ویژگی‌های متمایز هستند. اغلب پژوهشگران را استادیاران و دانشجویان دکتری دانشگاه‌های مختلف تشکیل می‌دهد. این امر می‌تواند نشانه سهم بالای مقالات مستخرج از پایان‌نامه یا تز در دانش این حوزه باشد. یکی از نقاط مثبت این است که بیش از نیمی از مطالعات به صورت گروهی (دو نفر و بیشتر) به نگارش درآمده‌اند و سهم میان‌رشته‌ای در انجام پژوهش‌ها نیز بالاست. هرچند پژوهشگران با تخصص علوم سیاسی بیشترین مشارکت را در تدوین مقالات این حوزه دارند. این امر می‌تواند استفاده از رویکردها و نظریات رشته علوم سیاسی را در مطالعات این حوزه غلبه داده و نوع خاصی از متغیرها را در تبیین‌ها وارد کند. از زاویه‌ای دیگر، پژوهشگران حوزوی و محققان (اعضای هیئت علمی، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان) پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌های تخصصی حوزه انقلاب اسلامی سهم بسیار کمی در دانش تولید شده این حوزه داشته‌اند که این امر می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین نقاط ضعف این مطالعات محسوب شود. در حوزه دانش پژوهی نیز یافته‌های روش‌شناسی مقالات منتشر شده نشان می‌دهد که اغلب مقالات از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه برای گردآوری یا تحلیل داده‌ها استفاده نکرده و تمرکز متودولوژیک خود را بر تحلیل محتوای منابع موجود (اغلب ثانویه) قرار داده‌اند. همچنین پژوهشگران برای تبیین

چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیشتر از نظریاتی که حاوی مؤلفه‌های اسلامی - دینی هستند؛ بهره برده‌اند. متغیر رهبری امام خمینی نیز بیشترین فراوانی را در عوامل اصلی پدید آورنده انقلاب اسلامی ایران دارا می‌باشد.

## منابع

1. احمدی منش، حسین و احمدی منش، محمد. 1394. *سازمان دهی در انقلاب اسلامی ایران*. مطالعات انقلاب اسلامی، سال 12، شماره 40
2. اسکاچ پل، تدا. *دولت ها و انقلاب های اجتماعی*، 1389. ترجمه مجید روئین تن، انتشارات سروش
3. اسفندیار، محمد، خواجه سروی، غلامرضا و اسفندیار، حسین. 1396. *بررسی و شناخت ابعاد شخصیتی امام خمینی ...* پژوهشهای انقلاب اسلامی. سال 6، شماره 21
4. دهقانی فیروزآبادی، جلال و آجورلو، حسین. 1392. *مقایسه تطبیقی رهبری در انقلاب اسلامی ایران و مصر. رهیافت انقلاب اسلامی*. سال 7، شماره 24
5. ساعی، علی (1386). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: سمت
6. صالح آبادی، ابراهیم (1390). *تاثیر ماهیت انقلابیان بر ضعف دستگاه سرکوب رژیم شاه*. مطالعات انقلاب اسلامی. دوره 8، شماره 24.
7. ضیغمی رضا، باقری نسامی معصومه، حق دوست اسکویی سیده فاطمه، یادآورنیک روش منصوره (1384). *تحلیل محتوا*. نشریه پرستاری ایران، دوره 21، شماره 53
8. کرین بریتون، 1390. کلارنس، *کالبد شکافی چهار انقلاب*. ترجمه محسن ثلاثی. نشر زریاب
9. مور، برینگتون، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*. 1395. ترجمه حسین بشیریه. مرکز نشر دانشگاهی.
10. نیازی، محسن (1390). *روش‌های تحقیق تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناختی در*

*علوم اجتماعی*، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره 5، شماره 2

11. یزدخواستی، بهجت و عزتی، مهدی. 1393. *تحلیل تطبیقی نظریه اقتدار کاریزماتیک ماکس وبر با نقش رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران*. مطالعات انقلاب اسلامی. سال 11، شماره 38
12. هراتی، محمد جواد و قاسمی، بهزاد. 1393. *تفاوت جایگان و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و مصر*. پژوهشهای انقلاب اسلامی. سال 3، شماره 9
13. نورانی مکرّم دوست، امیر. 1389. *تعامل ساختار و کارگزار در تبیین انقلاب اسلامی ایران*. مطالعات انقلاب اسلامی، سال 7، شماره 22
14. Geyskens, inge, Rekha Krishnan, Jan-Benedict E. M. Steenkamp, Paulo V. Cunha. 2008. A Review and Evaluation of Meta-Analysis Practices in Management Research, *Journal of Management*, vol. 35, 2: pp. 393-419
15. Gurevitch , Jessica, Julia Koricheva, Shinichi Nakagawa & Gavin Stewart. 2018. Meta-analysis and the science of research synthesis. *Nature* volume 555, pages 175–182
16. Katz J.S., Martin B.R. 1995. *What is research collaboration?* London: ERSRC center for science, Tehnology, Energy and environment

